

بررسی تطبیقی موازین حق برخورداری از وکیل در قوانین ایران و اساسنامه

دیوان کیفری بین المللی I.C.C

دکتر علی مقدم

(عضو هیات علمی دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری)

داوود حسینی

(نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی)

زینب حسینی

(کارشناسی ارشد حقوق بین الملل)

چکیده

حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی حقی اساسی است که به تضمین حقوق اشخاص کمک شایانی می کند. اصل الزامی بودن شرکت وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی در اکثر کشورهای جهان از جمله کشور ایران از سال ها پیش پذیرفته شده و مورد عمل قرار گرفته است. و همچنین در قانون اساسی و هم سایر قوانین البته با تصویب قانون آیین دادرسی جدید حقوق دفاعی متهم بهبود یافته که خود این مسئله به لحاظ حقوق بشری دارای اهمیت است.

تصمیم گیری راجع به لزوم تعیین وکیل برای مظنون در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی فعلی اساساً به دادستان دیوان واگذار شده است. مسلم است که این راه حل مناسب نیست و نمی توان پذیرفت که دادستان در این مورد بتواند بی طرفانه و عادلانه عمل کند در دیوان بین المللی نقش نظارت و سازماندهی در تعیین وکیل مدافع بر عهده مدیر دفتر دادگاه واگذار شده است.

کلمات کلیدی :

حق برخورداری از وکیل - حقوق ایران - اساسنامه دیوان بین المللی - وکیل تسخیری

مقدمه

از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر حق دادرسی عادلانه به عنوان یک اصل مورد پذیرش جهانی، توسط دولت ها به رسمیت شناخته شده و متعاقباً به عنوان یک عرف بین المللی در حقوق بین الملل برای کشورها لازم الاجرا گردیده است. حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه در مراحل مختلف آن مشخص می کند. حضور وکیل هم در تمام مراحل دادرسی حقی اساسی است که به تضمین حقوق اشخاص کمک شایانی می کند.

اصل الزامی بودن شرکت وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی در اکثر کشورهای جهان از سال ها پیش پذیرفته شده و مورد عمل قرار گرفته است. در تأکید اهمیت داشتن وکیل و تأثیر حضور وی، لون. ال . فولر از استادان معروف دانشگاه هاروارد می

نویسد: قاضی قوت و قدرت استدلالی را تشخیص نخواهد داد مگر آنکه آن را از دهان کسی که تمام نیروی فکری خود را برای بیان مدافعات تخصیص داده استماع نماید. انجام این وظیفه بر عهده وکیل است. وظیفه او تصمیم گیری نیست، بلکه ترغیب و هدایت در مسیر مطلوب است. (مصطفوی، ۱۳۵۷)

این حق در اسناد متعدد بین المللی از جمله (بند ۱ ماده ۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در تصمیم گیری درباره حقوق و تعهدات مدنی یا هرگونه اتهام کیفری درباره متهم هرکس حق دارد از یک دادرسی منصفانه و آشکار در یک مدت زمان معقول و از سوی دادگاه مستقل و بی طرف که بر پایه قانون برپا گردیده است، برخوردار باشد. (کاشانی، ۱۳۸۳) همان گونه که از متن ماده برمی آید یکی از مصادیق بارز دادرسی عادلانه حق برخورداری از وکیل است. برخی از اسناد همچون میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ردیف «ب» بند ۳ ماده ۱۴)، و (ردیف «ج») کنوانسیون اروپایی حقوق بشر علاوه بر بیان اصل حق، آگاه کردن متهم از این حق را نیز لازم شمرده اند. و در برخی اسناد دیگر همچون (ردیف «د» بند ۳ ماده ۱۴) میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در آن حق داشتن وکیل را در حق دفاع می دانند. (فضائی، ۱۳۸۷)

حقوقدانان کوشیده اند تا با تضمین و رعایت موازین حق برخورداری از وکیل مدافع از همان مرحله مقدماتی ورود فرد به فرایند دادرسی کیفری ضمن ایجاد توازن میان تلاش برای حفظ نظم عمومی و تامین حق های فردی، به ترافعی شدن هر چه بیشتر دادرسی و کاستن از ویژگی های تفتیشی دادرسی کیفری اقدام کنند.

این حق علاوه بر حقوق بین الملل در حقوق ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. و با وجود این میزان مداخله وکیل مدافع به عنوان فردی متخصص و آشنا به قانون و مسائل قضائی که به نمایندگی و همراه متهم در مرحله دادرسی حاضر می شود، همواره محل اختلاف صاحب نظران بوده است و وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به بهانه جلوگیری از ایجاد مانع بر سر کشف حقیقت با ممنوعیت مواجه گشته است. (مظاهری، ۱۳۸۵) ولی در دهه های اخیر و در سایه اصل برابری سلاح ها که از آن به اصل تناظر یاد می شود میان طرف های دعوای کیفری یعنی نهاد تعقیب و متهم، طبق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران حق به همراه داشتن وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش از شروع تحقیق به متهم ابلاغ و تفهیم می شود. که سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی برای نهاد تعقیب است. در این نوشتار برآنیم تا در این پژوهش، با توجه به صراحت اصل «۳۵» قانون اساسی، بند «۳» ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳)، و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، پس از بیان اهمیت مداخله وکیل، حق برخورداری از وی را در حقوق ایران و دیوان کیفری بین المللی بپردازیم.

بیان مساله

حقوق دفاعی متهم امروزه به عنوان یکی از اصول مهم در محاکمه منصفانه در اسناد بین المللی همچنین قوانین و مقررات کشورها مطرح و مورد حمایت واقع شده است. این حقوق در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. (شفیعی، ۱۳۹۶)

در حقوق، اصلی وجود دارد بنام تساوی سلاح ها در صورتی که متهم حق داشتن وکیل نداشته باشد نمی تواند از خود در برابر دادستان که به سلاح آگاهی از قوانین، تجربه و تخصص در زمینه حقوق مسلح است، دفاع کند و همچنین بدلیل عدم آشنایی به قوانین و اصطلاحات حقوقی این دو در شرایط برابری نیستند و سلاح های برابری برای اثبات حرف خود ندارند. حضور وکیل از مرحله شروع تحقیقات تا اجرای حکم ضروری است زیرا در این صورت وکیل می تواند حقوقی از جمله اصل برائت، حق سکوت، چگونگی انجام بازجویی قانونی، حق آگاه شدن از اتهامات انتسابی و ... را به موکلش در مرحله تحقیقات مقدماتی گوش زد کند و همچنین در دادگاه نیز با استفاده از تخصص خود، اطلاعات فنی و آگاهی اش به قوانین می تواند از حقوق موکل اش در برابر دادستان دفاع کند و این گونه توازن و تعادل در دادگاه بین دادستان و متهم با وجود وکیل ایجاد می شود. بنابراین ضروری است که افراد نسبت به این حق خود مطلع شوند تا جلوی نقض قوانین به خصوص در مرحله بازجویی گرفته شود. اما اگر شخصی ناتوان از گرفتن وکیل باشد. برخورداری از وکیل که بتواند از شخص متهم دفاع کند عنصری مهم در حق برخورداری از امکانات کافی برای دفاع بشمار می رود. حضور وکیل در دادگاه تضمین منافع متهم است و از تضییع حقوق اجتماعی متهم

جلوگیری می کند و از سوی دیگر فرصت و امکانی که وکیل برای بررسی محتویات پرونده دارد او را به مشاوره سودمند و همکاری موثر برای مراجع رسیدگی کننده تبدیل می کند. (شم آبادی، 1392)

سوال مهمی که در این پژوهش به دنبال مطرح می شود این است که حق برخورداری از وکیل در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و حقوق ایران به چه ترتیبی است؟

به نظر می رسد عدالت کیفری سه پایه اصلی دارد که عبارتند از ارگان قضایی مستقل، یک مقام تعقیب که از منافع عموم دفاع می کند، و یک وکیل مدافع موثر برای آنکه اصل محاکمه عادلانه به ظهور برسد. این سه رکن باید به طور متوازن و مستقل عمل کنند. تصمیم گیری راجع به لزوم تعیین وکیل برای مظنون در دیوان بین المللی کیفری فعلی اساساً به دادستان دیوان واگذار شده است. مسلم است که این راه حل مناسب نیست و نمی توان پذیرفت که دادستان در این مورد بتواند بی طرفانه و عادلانه عمل کند در دیوان های اختصاصی بین المللی نقش نظارت و سازماندهی در تعیین وکیل مدافع بر عهده مدیر دفتر دادگاه واگذار شده است که جای نقد دارد.

بررسی تطبیقی همواره راهگشا در حقوق داخلی بود، شناخت قوانین بین المللی و به ویژه شناخت اساسنامه دیوان در خصوص موضوع پژوهش (حق برخورداری از وکیل) می تواند به خلاهای احتمالی در قانون داخلی ما کمک شایانی نماید امید است که به این مهم دست یابیم.

فصل اول: مفاهیم و مبانی

در این فصل به مفاهیم و مبانی حق برخورداری از وکیل در قوانین ایران و نحوه انتخاب وکیل در دادرسی ها مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول (مفهوم حق برخورداری از وکیل در قوانین ایران

اشاره ی اسناد و موازین حقوق بشر در این مورد که زیان های وارد بر محکومان بی گناه می بایست مطابق قانون جبران گردد، تلویحاً بیانگر آن است که دولت های عضو ملزم به تدوین مقررات داخلی ناظر به ضرورت جبران این گونه زیان ها هستند. (امیدی، 1393) در این راستا اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تضمین چنین حقی تصریح دارد. اصل مزبور مبین این است که در همه ی دادگاه ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل، فراهم گردد. و دادگاه های عمومی و انقلاب مکلفند وکالت نامه های تقدیمی وکلای رسمی دادگستری را از کلیه ی متهمین پرونده های کیفری صرف نظر از نوع اتهام و در هر مرحله از دادرسی که باشد بپذیرند، و در صورتی که بین وکیل و موکل، وکالت نامه تنظیم نشده باشد امکان ملاقات وکیل و موکل را برای امضاء و تنظیم وکالت نامه فراهم آورند.

لازم به ذکر است که وظیفه ی قانونی یک وکیل دادگستری صرفاً حضور در مرحله ی مقدماتی تحقیقات و یا دادرسی نمی باشد، بلکه وکیل در جهت حمایت از حقوق قانونی مظنون، وظایف مختلف و راهکارهای قانونی از قبیل حق اعتراض به قرارهای صادره و مانند آن را دارد و محروم نمودن وکیل مدافع از آن حقوق، در نهایت منجر به تضییع حقوق مظنون خواهد شد. (اختری، 1392)

گفتار دوم: مبانی حق برخورداری از وکیل در قوانین ایران

در هر نظام اجتماعی جایگاهی که به وکیل دادگستری اختصاص داده می شود، بیانگر احترامی است که انسانها برای عدالت قائل هستند. در این قسمت به بررسی این مساله خواهیم پرداخت که حق داشتن وکیل به چه شکلی در نظام حقوقی ایران و به خصوص در قوانین کیفری، قوانین خاص مورد توجه قرار گرفته اند.

بند اول) مبانی حق برخورداری از وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری ایران

براساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع که امروزه به واسطه ی بروز جرایم بین المللی در زمره ی حقوق بشر قرار گرفته است، تحولات قابل توجهی جهت سهولت برخورداری مظنون از معاضدت وکیل مدافع ایجاد نموده است و امعان نظر در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 در این خصوص، مبین تطبیق قانون مزبور با معیارهای نوین حقوق بنیادین بشر است. به عنوان مثال قانونگذار سعی نموده به موجب ماده ی 48 ق.آ.د.ک مصوب 1392، به جزئیات حق بهره مندی از معاضدت وکیل مدافع اشاره نماید و مانند برخی از کشورهای پیشرفته به دنبال آن است که در مرحله ی تعقیب، حق برخورداری از وکیل، حق سکوت و ... را به مظنون اعلام کند. (جعفری و همکاران، 1395)

مضمون ماده ی 68 ق.آ.د.ک مصوب 1392 نیز که به موجب آن «شاکی یا مدعی خصوصی می تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند...»، مبین حق برخورداری شاکی از وکیل مدافع در مرحله ی تحقیقات مقدماتی است.

همچنین ماده ی 190 ق.آ.د.ک مصوب 1392، مبین حق برخورداری از وکیل در مرحله ی تحقیقات مقدماتی است. ماده ی مذکور به همراه پذیرش حق برخورداری از وکیل مدافع در مرحله ی تحقیقات مقدماتی، تضمینات دیگر مانند تفهیم این حق به مظنون، حق وکیل بر اطلاع از اتهام و دلایل آن و بیان مطالبی برای کشف حقیقت و دفاع از مظنون و اجرای قانون را نیز به رسمیت شناخته است. و فراموش نباید کرد متهم تا زمانی که محکومیت قطعی پیدا نکند، فقط یک متهم است.

با توجه به اهمیت موضوع به اختصار حق داشتن وکیل را در مراحل مختلف رسیدگی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف) حق برخورداری متهم بر حضور وکیل در مرحله تحت نظر

ضعف آگاهی متهم از موازین قانونی و حقوقی حضور شخصی را با اطلاعات و تجارب حقوقی در جهت رفع اتهامات ناروا علیه متهم در مرحله حساسی همچون کشف جرم به طور اعم و بازجویی ها به طور اخص الزامی می کند، چرا که ضابطین دادگستری در این مرحله دارای اختیارات وسیعی هستند و حضور وکیل متهم نه تنها از سوء استفاده مامورین از اختیارات خود در جمع آوری دلایل غیر اصولی علیه متهم بی گناه و ناآگاه از قانون جلوگیری می کند. بلکه مانع اظهارات ناسنجیده متهم علیه خود نسبت به موضوع جرم می شود. (جعفری، 1363) از مهمترین تحولات ایجاد شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این است که به محض اینکه شخص به عنوان متهم تحت نظر قرار گرفت، می تواند درخواست ملاقات با وکیل مدافع را داشته باشد و تحقق این امر اتفاقاً یکی از رسالت های مهم وکیل در امور کیفری و کمک به کشف حقیقت و یاری به نظام قضایی در این زمینه است. در واقع تشریک مساعی قضات و وکلای می تواند عدالت کیفری را به نحوی که مطلوب جامعه، بزه دیده و حتی بزهکار باشد را فراهم سازد. (مهردی پور، نقیبی، 1395)

ب) حق برخورداری متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

یکی از مراحل مهم و سرنوشت ساز دعوای عمومی، مرحله تحقیقات مقدماتی است. علت اهمیت این مرحله این است که از نظر زمانی، معمولاً مدت زیادی از تاریخ وقوع جرم تا انجام تحقیقات نگذشته و دلایل و آثار جرم از بین نرفته است، شهود احتمالی هنوز مشاهدات خود را به خاطر دارند. به موجب ماده 90 ق.آ.د.ک تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرسی یا دیگر مقامات قضایی برای حفظ آثار و علایم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود. هدف از مرحله مقدماتی نیز، اظهار نظر درباره دلایل اتهام و آماده کردن پرونده برای مرحله دادرسی است.

ولکن در ماده 190 ق.آ.د.ک مذکور قید شده که متهم می تواند یک وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. معلوم نیست قانونگذار در بیان حق همراهی متهم توسط وکیل یا وکلای اوست یا اینکه به عدد یک نظر داشته است. چنانچه قانونگذار در مقام بیان حق متهم مبنی بر داشتن وکیل یا وکلاء باشد با ظاهر ماده در تعارض است زیرا در این ماده به عدد یک اشاره شده است. و این حق محدود به همراه داشتن یک وکیل است و چنانچه منظور قانونگذار این بوده که متهم فقط یک وکیل انتخاب کند این ماده با مادتين 342 و 346 و 385 ق.آ.د.ک در تعارض است، زیرا در مواد مذکور اعلام شده که متهم می تواند تا دو نفر وکیل به غیر از جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک داشته باشد. با جمع این مواد به نظر می رسد متهم حق انتخاب بیش از یک وکیل را دارد اما در مرحله تحقیقات مقدماتی تنها یک نفر از وکلاء او حق همراهی و حضور در جلسه را دارد. (وزینی پیروز، 1392)

پ) حق برخورداری متهم بر داشتن وکیل در مرحله رسیدگی در دادگاه

حق داشتن وکیل در مرحله دادرسی از جمله تضمیناتی است که برای حفظ حقوق متهم در دادرسی های کیفری پیش بینی می شود. (طه، اشرافی، 1386) این مهم در اصل 35 قانون اساسی چنین آمده است که: «در همه دادگاه ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.» در دادگاه تمام دلایل له و علیه متهم با حضور طرفین دعوی به بحث گذاشته می شود و هیچ دلیل و مدرکی بدون بحث و مذاکره در جلسه رسیدگی نمی تواند علیه متهم موثر باشد. اجرای یک دادرسی کیفری عادلانه مقتضی آن است که به متهم امکان دفاع از خود در برابر اتهامات انتسابی داده شود. (منتظری، 1368) لذا وکیل متهم حق دسترسی به پرونده و رو نوشت از آن را برای ارائه دفاعی آزادانه و مناسب با حقوق متهم و مشورت با او را دارد و می تواند بر مبنای ماده 262 قانون آئین دادرسی کیفری جدید عهده دار آخرین دفاع متهم شود.

ت) حق برخورداری از وکیل تسخیری

هر متهم به جرم کیفری حق برخورداری از مساعدت حقوقی جهت تضمین حقوق و دفاع از خود را داراست. حق برخورداری از وکیل حتی اگر متهم نخواهد در دادرسی شرکت کند نیز اعمال می شود. چرا که حق مزبور فقط از منافع خصوصی متهم دفاع نمی کند بلکه به نوعی مدافع حقوق اجتماعی محسوب می گردد.

مطابق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. به موجب تبصره ۲ همین ماده در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، اگر متهم اقدام به معرفی وکیل نکند، باز پرس برای او وکیل تسخیری انتخاب می کند. انتخاب وکیل تسخیری در این مورد الزامی است. (اختری، دارایی، 1392) طبق ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ک متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند تا برای او وکیلی تعیین شود. دادگاه وضع مالی او را بررسی می کند و بعد از آنکه احراز کرد متقاضی توانایی مالی برای گرفتن وکیل را ندارد، از بین وکلای همان حوزه قضایی و اگر امکان نداشته باشد از نزدیک ترین حوزه قضایی برای متهم وکیل تعیین می نماید. درواقع، به موجب این ماده دادگاه الزامی به تعیین وکیل تسخیری ندارد بلکه بعد از بررسی وضعیت مالی متهم می تواند تقاضای او را اجابت کند. هم چنین در ماده ۳۴۸ همین قانون در مورد جرایمی که مجازات آن ها سلب حیات، اعدام یا قصاص، حبس ابد، قطع عضو، یا نصف دیه کامل یا بیشتر به شرطی که جنایت موجب دیه، عمدی باشد چون در جرایم غیر عمدی نیز دیه داریم، در اولین جلسه رسیدگی اگر متهم وکیل معرفی نکند، یا وکیلی که معرفی کرده است بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است. قانون حتی پیش بینی کرده است اگر این وکیل تسخیری نیز بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او باید وکیل تسخیری دیگری را معرفی کند. البته به موجب تبصره ماده ۳ همین ماده، متهم فقط یکبار می تواند تقاضای وکیل تسخیری نماید. همانطور که مشخص است، در جرایم بالا به علت اهمیت زیادی که دارند و مجازات های سنگینی که برای آن ها پیش بینی شده است، برای جلوگیری از ضایع شدن حق متهم حضور وکیل الزامی است.

بند دوم) مبانی حق برخورداری از وکیل در قوانین خاص

به موجب ماده واحده ی قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوبه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب 1370/7/11 «اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل را دارند و کلیه ی دادگاه هایی که به موجب قانون تشکیل می شوند مکلف به پذیرش وکیل می باشند.»

به موجب تبصره ی 2 همین قانون «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه 3 و برای مرتبه ی دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد.»

همچنین به موجب تبصره ی 3 این قانون «وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد.» می بایست اذعان داشت مصوبه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در حقیقت رنسانسی بود در تاریخ پذیرش وکلا در دادگاه ها، حتی

این حق برای خارجی‌ان ساکن ایران به عنوان یکی از حقوق عمومی غیرسیاسی شناخته شده است، ولی آنان نمی‌توانند به عنوان وکیل در محاکم شرکت نمایند. (مدنی، 1378)

همچنین وفق بند 3 ماده واحده ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 1383، محاکم و دادسراها مکلف به رعایت حقوق دفاعی متهم و تمهید فرصت لازم جهت استفاده از وکیل مدافع، بدون قید و شرط شده‌اند. همچنین امان نظر در برخی قوانین خاص موجود در حقوق ایران از جمله «قانون الزامی شدن استفاده از وکیل» مصوب 1384، مبین این است که دادسراها و دادگاه‌ها در تمامی اتهامات، بدون محدودیت مکلف به پذیرش وکیل مدافع هستند. (اشوری، 1388) حال آن که برخورداری از این حق توسط مظنون در مرحله ی تعقیب حائز اهمیت ویژه ای است و متأسفانه در قوانین فوق‌الذکر اشاره ای به این نکته نشده و صرفاً در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 که در حال حاضر تنها قانون مرتبط لازم‌الاجراست، به این موضوع به عنوان حساس‌ترین نقطه ای که سرنوشت یک پرونده را رقم می‌زند اشاره شده است. این موضوع به قدری دارای اهمیت است که اگر قرار بود حضور وکیل در جایی استثناء شود، بهتر آن بود که حتی اگر وکیل در تمام مراحل ممنوع از حضور می‌شد، فقط در بازجویی حضور داشته باشد. (اختری، داریی، 1392)

گفتار سوم) مفهوم حق برخورداری از وکیل در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری I.C.C

حق دفاع متهم جزء حقوق طبیعی و ذاتی انسان بوده و منبعث از اصل برائت می‌باشد و حق داشتن وکیل که جزیی از حقوق دفاعی متهم است از این قاعده مستثنا نیست. برخورداری از حق دفاع مناسب با استفاده از اطلاعات قضایی وکیل مدافع از مهمترین آثار اصل برائت تلقی می‌گردد. این امتیازی نیست که دادگاه به متهم اعطاء کرده باشد تا بتواند به میل خود و هر گاه که مشاوره متهم با وکیلش مطلوب نباشد موجبات تهدید آن را فراهم سازد. به موجب بند د قسمت اول ماده 56 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، یکی از اقدامات شعبه محاکمه تعیین وکیل برای شخص است که توقیف شده یا بواسطه احضاریه در دیوان حاضر شده است. این شخص نیز می‌تواند پیش از توقیف شدن یا حضور در دیوان وکیلی داشته باشد تا علایق و نظرات خویش را منعکس نماید.

حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص به ویژه حق حیات و آزادی اشخاص است. قوانین اساسی و عادی کشورها نباید چنین حقوقی را نقض و یا به روش‌های خلاف عقل و اصول دادرسی منصفانه محدود سازد.

هدف از این وظیفه قانونگذار این است که به تبع الزام حفظ حقوق طبیعی، حق دفاع متهم آثار و لوازم آن را به عنوان تضمین حقوق مزبور به رسمیت شناخته و به حمایت از آنها بپردازد. البته بعضی از کشورهای جهان نسبت به شرکت وکیل مدافع در دعاوی کیفری نظر کاملاً موافقی ندارند. (اختری، داریی، 1392) اما در هر حال اصل الزامی بودن شرکت وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی‌های کیفری در مقررات موضوعه اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان پذیرفته شده است و یکی از مهمترین ثمرات دادرسی عادلانه بوده است وقتی شخصی بازداشت می‌شود باید بلافاصله از داشتن حق انتخاب وکیل مطلع شود از حیث حقوق بشر داشتن وکیل در تمام مراحل دادرسی و قبل از دادرسی مورد تأکید قرار گرفته است، حضور وکیل همانطور که گفتیم امری اجتناب‌ناپذیر و در عین حال ضروری در جریان دادرسی عادلانه است.

گفتار چهارم) مبانی حق برخورداری از وکیل در دیوان بین‌المللی کیفری I.C.C

در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری حق برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات بدون قید و شرط است (هر چند محدود به بازجویی است). برعکس، در مرحله محاکمه این حق تابع شرایطی است، از جمله اینکه منافع عدالت اقتضاء کند که وکیل حضور داشته باشد. روشن است که حق داشتن وکیل شرایطی دارد که اساساً می‌تواند به ماهیت رسیدگی بستگی داشته باشد. جنبه دیگر حق تعیین وکیل عبارت است از تشخیص صلاحیت حرفه ای وکلای که می‌خواهند در دادگاه حاضر گردند.

از جمله این شرایط باید از تسلط بر حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری و تجربه در دادگاههای کیفری نام برد. همین‌طور لازم است که وکیل تسلط کافی به یکی از زبانهای کاری دیوان داشته باشد. احراز وجود این شرایط به عهده دبیرخانه است که همچنین، مسئول تهیه فهرست وکلای منصوب به عنوان وکیل مدافع برای اشخاص (مظنون یا متهم) است. تشخیص این که

شخص توان مالی برای پرداخت حق الوکاله ندارد کار خیلی دشواری است. (ریسی، فلاح، 1392) گاهی از اسناد مالی و اموال متهمین در حوزه کشورهای مختلف به ویژه در سرزمینهایی که محل مخاصمات مسلحانه بوده یا هست کار آسانی نیست. دبیرخانه در این مورد نهادی ذی صلاح است، اما حداقل در دادگاههای اختصاصی مظنون حق دارد تا در شعبه بدوی تجدید نظر خواهی کند، تفسیری که تا این تاریخ از سوی دیوان از حق برخورداری از وکیل به عمل آمده است از آن چه به موجب معیارهای بین المللی لازم است فراتر رفته است، زیرا انتخاب وکیل رایگان به موجب نظام معاضدت قضایی نهایتاً به عهده دولت متبوع متهم است و متهم نمی تواند از دولتش بخواهد حق الزحمه وکیلی که او انتخاب می کند را بپردازد. اما رویه قضایی دیوان نشان می دهد که هر چند این به عنوان یک اصل شناخته نشده است. اما متهمان اجازه دارند وکیلی را که می خواهند منصوب شود، انتخاب کنند. با اصلاحاتی که در آیین دادرسی و ادله دیوان یوگسلاوی سابق انجام گردید، دبیرخانه مجاز گردید که بنا به درخواست متهم «وکیلی را که به زبان متهم صحبت میکند اما به هیچ یک از زبانهای کاری دیوان صحبت نمی کند، تعیین نماید» و لذا ملاحظات فوق فراتر از منافع متهم هستند و مستلزم ارزیابی جهانی تر از اجرای خوب عدالت می باشند.

فصل دوم: بررسی تطبیقی موازین برخورداری از حق داشتن وکیل برای متهم در قوانین موضوعه ایران و در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری I.C.C

اسناد و مقررات بین المللی الزام آور حقوق بشر هرچند به طور کلی به بیان حق برخورداری از وکیل مدافع پرداخته اند، اما گستره ی این حق، تمامی مراحل رسیدگی از جمله مرحله ی تحقیقات مقدماتی را در برمی گیرد. (مایکل، نیاورانی، 1388) رویکرد مراجع نظارتی و تفسیرکننده ی آن ها نیز در تبیین حق مزبور در مرحله ی تحقیقات مقدماتی صریح و روشنگر بوده است. از این رو کمیته ی حقوق بشر تأکید می کند که حق اشخاص در منصفانه بودن دادرسی این است که مظنون بتواند در مرحله ی تحقیقات، بازجویی و بازداشت از مشاور حقوقی برخوردار شود. بر این اساس در این فصل به بررسی تطبیقی موازین حق برخورداری از وکیل مدافع از منظر اسناد بین المللی و داخلی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول) استقلال وکیل در حقوق ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

تامین یک دادرسی عادلانه، به ویژه در محاکمات کیفری بین المللی، به طور قطع بدون تدارک دفاعی مطمئن و مستقل امکان پذیر نیست. متهمان جرائم مورد محاکمه در دادگاه های بین المللی، پیش از آنکه توسط دادگاه محاکمه شوند، از سوی مطبوعات محکوم شده اند. تضمین استقلال دفاع مقتضی آن است که عوامل دخیل در دفاع، از خود متهم گرفته تا وکلا و سایر نمایندگان تحت نفوذ و کنترل هیچ ارگان، قدرت و مقامی نباشند. وکیل باید در برابر دادگاه و هم در مقابل عوامل دیگر از جمله ارگان ها و اشخاص خارج از دادگاه از استقلال برخوردار باشد. که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

بند اول) استقلال وکیل در برابر دادگاه

نخستین عاملی که برای تضمین استقلال وکیل ضروری است آزادی انتخاب اوست. حق انتخاب آزادانه وکیل از مهمترین عوامل استقلال دفاع است. این حق در اساسنامه های دادگاه های کیفری ویژه و دیوان کیفری بین المللی مورد شناسایی و تأکید واقع شده است. هر گونه ممنوعیت و محدودیت در این زمینه محل به استقلال دفاع است. بدیهی است وکیلی که از سوی متهم به طور آزادانه انتخاب نشده باشد، استقلالش با تردید مواجه می گردد. انتخاب آزادانه وکیل حتی در مواردی که متهم تمکن مالی برای پرداخت هزینه وکالت را ندارد، مورد توجه دادگاه های کیفری بین المللی قرار گرفته است. به این منظور مدیر دفتر دادگاه مکلف شده فهرستی از وکلای واجد شرایط را تهیه کند تا مظنون یا متهم بتواند از میان آنها وکیل خود را برگزیند. در عین حال به منظور تامین آزادی بیشتر، پیش بینی شده است که شخص بتواند خارج از لیست یاد شده نیز وکیل مورد نظر خود را انتخاب کند، البته به شرطی که وکیل مورد نظر واجد شرایط لازم برای درج نامش در آن فهرست باشد. در صورتی که درخواست مظنون یا متهم مبنی بر انتخاب وکیل خارج از لیست مدیر دفتر، رد شود، مظنون یا متهم می تواند درخواست دیگری ارائه کند. ضمن اینکه در دیوان امکان اعتراض به تصمیم مدیر دفتر نزد ریاست دادگاه پیش بینی شده است. این در حالی است که در دادگاه های کیفری ویژه چنین امکانی وجود ندارد. عامل دیگری که می تواند در فراهم ساختن زمینه استقلال وکیل موثر باشد، احراز شایستگی های اخلاقی و صلاحیت های علمی و تجربی است. این موضوع نیز از نظر مقررات دادگاه های کیفری بین المللی

موجود مغفول نمانده است. بند ۱ ماده ۲۲ آئین دادرسی دیوان کیفری بین المللی می گوید وکیل باید صلاحیت مسلم در حقوق بین المللی یا کیفری و آئین دادرسی علاوه بر تجربه لازم به عنوان قاضی، دادستان، وکیل یا دیگر مناصب مشابه در دادرسی های کیفری باشد، در مقررات دادگاه های ویژه به گونه دیگری شرایط وکیل اشاره شده است. بند الف ماده ۴۴ آئین دادرسی این محاکم شرط می کند که وکیل باید مدیر دادگاه را متقاعد سازد که برای کار حقوقی در یک کشور پذیرفته شده است با یک استاد حقوق دانشگاه و عضو یک کانون وکلایی است که در دادگاه مورد شناسایی مدیر است. (فضایی، ۱۳۸۹)

به طوری که ملاحظه می شود مراحل احراز صلاحیت وکلا و انتخاب وکیل تحت نظارت و با مداخله دفتر اداری دادگاه انجام می شود. در حالی که استقلال نهاد دفاع و وکلای مدافع از ارگان های اجرایی دادگاه و نیز از قضات عامل مهم و ضروری تامین یک دادرسی عادلانه است، سپردن سرنوشت حقوق متهمان به مدیر دفتر دادگاه و نظارت او بر فعالیت های مربوط به دفاع با حقوق دادرسی عادلانه تعارض بالقوه دارد. از این رو ضرورت تاسیس یک اداره دفاع احساس شده است.

در نهایت نیز باید گفت که وکیل مدافع باید بتواند فارغ از هر گونه نفوذ و فشار خارجی آزادانه فرایند دفاع را به پیش ببرد. ارتباط آزادانه و محرمانه متهم با وکیل منتخب خود در اساسنامه های دادگاه های کیفری ویژه و دیوان کیفری بین المللی از حقوق ضروری متهم شناخته شده است. مدیر دفتر دیوان کیفری بین المللی در راستای ایفای نقش خود در حمایت از حقوق دادرسی عادلانه مکلف به حمایت از محرمانه بودن ارتباط متهم با وکیل و پشتیبانی، و اطلاع رسانی به همه وکلای مدافع نزد دادگاه شده است.

بند دوم) استقلال در برابر عوامل دیگر

وکیل نه تنها در برابر دادگاه باید از استقلال برخوردار باشد، بلکه در مقابل ارگان ها، اشخاص و مقامات خارج از دادگاه نیز باید مستقل بماند. دفاع نزد یک دیوان کیفری بین المللی فرسنگ ها دور از محل وقوع جرم لزوم گردآوری دلایل از محل های دیگر، مشکلاتی را برای هر دادگاهی پدید می آورد. ممکن است لازم باشد از محیطی خصمانه تحقیقات محلی انجام شود و این می تواند بر وکلا تاثیر منفی بگذارد و نتایج را تحت تاثیر قرار دهد. حکومت هایی که بی طرف نیستند شاید هیچ کمکی به دفاع نکنند، پلیس ممکن است وکیل را از بازدید برخی اماکن منع کند. در دیوان کیفری بین المللی مطابق ماده ۸۶ اساسنامه دیوان تکلیف همکاری با دادگاه بر عهده دولت ها نهاده شده است، اما وظیفه همکاری با وکیل مدافع متهم پیش بینی نشده است. بنابراین استقلال وکیل ممکن است از سوی دولت ها مخدوش شود. در قوانین ملی نیز معمولاً تضمینی در این زمینه به چشم نمی خورد. تنها در مورد هلند وضعیت متفاوت است، چون میزبان دیوان های بین المللی است. از این رو استقلال وکیل از این جهت نیازمند ابزار و آئینی است که نباید از نظر دور داشته شود. در دادگاه های کیفری بین المللی ویژه، گاه دادگاه به پشتیبانی وکیل برخاسته است. شعبه تجدیدنظر در پرونده های تادیب و بلاسکیچ نشان داد که از مشکلات دفاع متهم کاملاً آگاه است. و در نهایت عنصر دیگری که برای تامین حفظ استقلال وکلا ضروری است، برخورداری آنها از مصونیت های لازم است. مصونیت از هرگونه اقدامی که می تواند به اجرای آزاد و مستقل وظایف وکیل آسیب برساند غیر قابل انکار است. به این منظور می توان به ماده ۴۸ اساسنامه دیوان راجع به مزایا و مصونیت ها استناد کرد. این مواد همگی در بند ۴ خود طی متنی مشابه مقرر می کنند که وکیل مدافع، کارشناسان، گواهان یا هر شخص دیگری که حضورش در مقر محل اجلاس دادگاه لازم باشد، باید از چنان رفتاری برخوردار شوند که برای انجام درست نقش و وظایف دادگاه ضروری است.

استقلال وکیل در حقوق ایران، باید لوازم و ضروریات یک دادرسی منصفانه، دفاع متهم یا خوانده نسبت به ادعایی است که علیه او طرح شده است. دفاع شخصاً یا توسط وکیل انتخابی در اغلب کنوانسیونهایی که موضوع حقوق بشر دارند، تصریح شده است. از محتوای مقررات دادرسی منصفانه چنان بر می آید که دادرسی هنگامی منصفانه ارزیابی می شود که دفاع صورت گرفته توسط متهم یا وکیل او به دور از هر گونه فشار، تهدید، معذورت و یا اوضاعی باشد که امکان دفاع موثر را سلب کند. استقلال وکیل دادگستری از هر نوع وابستگی درونی و بیرونی و با اتکا بر اصول و موازین مندرج در کنوانسیونهای حقوق بشری در این راستا مطرح می شود. در مقایسه قوانین داخلی ایران با این اصول دادرسی منصفانه چنین نتیجه گرفته می شود که نهاد وکالت (کانون وکلا و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه) به خاطر عدم استقلال کامل و یا نسبی نمی تواند عهده دار و تامین کننده حق دفاع عامه مردم باشد. این در حالی است که امروزه موازین حقوق بشری صرف نظر از تعهدات بین المللی کشورها، بی آنکه لزوم رعایت آن

در قالب یک کنوانسیون و تعهد بین المللی بر دولتها لازم آید، رعایت آن نسبت به افراد تحت قلمرو هر دولتی بدیهی و ضروری است، از این رو دولتها باید در جهت احقاق و حفظ این حقوق قانون گذاری کرده و آنها را تضمین کنند. قوانین داخلی ایران نسبت به نهاد وکالت چه از نظر ساختاری و چه از نظر تضمین شغلی وکلا، مصونیت آنها و حتی تامین مالی ناقص است و به امنیت و استقلال این صنف خدشه وارد آورده است. علاوه بر آن آزادی بیان، عقیده، حق داشتن وکیل در تمامی مراحل دادرسی نیز نه تنها در قوانین داخلی تضمین نشده است بلکه بعضا خلاف آن نیز قانونگذاری شده است. (حیدری، مودن، 1389)

گفتار دوم) حقوق متهم در ارتباط با حق برخورداری از وکیل در حقوق ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی I.C.C

در این قسمت به حقوق متهم در ارتباط با حق برخورداری از وکیل در حقوق ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی خواهیم پرداخت یکی از آثار مترتب بر اصل برائت، لزوم تفهیم اتهام به متهم است. تفهیم اتهام با اهمیت ترین بخش از تحقیقات مقدماتی در دادرسی می باشد، چرا که حق قانونی متهم است که بداند مرتکب کدام رفتار مجرمانه شده است. اهمیت این حق چنان است که در بعضی از قوانین و میثاق ها و اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی، رعایت آن حتی به صورت غیابی پذیرفته شده است. (آشوری، 1383) در صورتی که مقام قضایی امر تحقیق بدون تفهیم اتهام (به متهم) به تحقیقات ادامه داده یا کیفر خواست صادر نماید، علاوه بر اینکه تقصیر آن (مقام قضایی) محرز می باشد، می توان گفت که تحقیقات انجام شده بدون تفهیم اتهام، محکوم به ابطال و فاقد اثر قانونی می باشد. از سوی دیگر لازم است حقوق متهم در مرحله دادرسی نیز مورد توجه قرار گیرد.

بند اول) تفهیم اتهام

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی این جلسه (جلسه تأیید- تفهیم- اتهام) توافقی خواهد بود. به گونه ای که براساس بند ۳ ماده ۶۱ اساسنامه در مدت متعارفی قبل از جلسه، شخص باید:

الف) یک نسخه از مدارکی را که شامل اتهاماتی است که دادستان (مقام قضایی امر تحقیق) رسیدگی به آنها و محاکمه شخص را تقاضا کرده، دریافت دارد.

ب) از ادله ای که مورد استناد دادستان در جلسه قرار خواهد گرفت، مطلع شود. بر اساس آن دادستان ظرف ۳۰ روز قبل از تاریخ جلسه رسیدگی تأیید اتهام، شرح جزییات اتهامات به همراه فهرستی از ادله ای که وی قصد دارد در جلسه رسیدگی ارائه نماید، برای شعبه مقدماتی و شخص مورد نظر تهیه میکند. همچنین، اگر شخص قصد ارائه ادله ای را داشته باشد، فهرست آن ادله را حداقل پانزده روز قبل از تاریخ جلسه به شعبه مقدماتی ارسال می نماید. شعبه مقدماتی آن فهرست را بدون تأخیر برای دادستان می فرستد. در ضمن به موجب بند ۱ ماده ۶۱ اساسنامه، در دیوان تفهیم اتهام، متهم با حضور وکیل وی انجام می گیرد. (یزدانی، 1390)

در اساسنامه دیوان، دادستان قبل از جلسه تفهیم اتهام به تحقیقات خود ادامه داده و نیز می تواند اتهامات را اصلاح نموده یا مسترد دارد و در صورت هر گونه اصلاح یا استرداد باید متهم را همراه با دلایل آگاه نماید. اضافه بر آن در اساسنامه دیوان، تفهیم اتهام دارای آنچنان اهمیتی است که حتی تحت شرایطی که در ماده ۶۱ آن ذکر شده، امکان تفهیم اتهام غیابی هم وجود دارد. طبق بند ۲ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان «در صورتی که متهم حق حضور خود را ساقط کرده باشد، یا فرار کرده و همه اقدامات در جهت حضورش در دیوان و اطلاع از اتهامات انتسابی بی نتیجه مانده باشد در آن صورت شعبه مقدماتی رأساً و یا به تقاضای دادستان جلسه ای را در غیاب متهم جهت تفهیم اتهام تشکیل خواهد داد. همچنین، در صورتی که شعبه مقدماتی حضور وکیل را در راستای اجرای عدالت بدانند، وکیل به نمایندگی از متهم در جلسه حاضر می شود.»

پیش بینی تفهیم اتهام غیابی در دیوان با شرایط مذکور، شاید برای حفظ جایگاه دیوان مثرثمر باشد؛ مثلاً ممکن است در دیوان، متهم بنا به دلایل سیاسی یا عدم اعتقاد به کار دیوان، حق حضورش هنگام تفهیم اتهام را ساقط کرده باشد. (اعتمادی، حکیمی نژاد، 1388)

بند دوم) شخصی بودن تفهیم اتهام در حقوق ایران و اسناد بین المللی

تفهیم اتهام قائل به شخص متهم و مستلزم حضور وی در زمان تفهیم اتهام است و در صورتی که متهم وکیل داشته باشد نمی توان به جای متهم، به وکیل او حتی در دادرسی غیابی تفهیم اتهام نمود. چون این متهم است که محاکمه می شود و نه وکیل

او، البته در دادرسی غیابی، عدم امکان تفهیم اتهام به شخص متهم، مانع جریان رسیدگی و صدور حکم و حتی احراز مجرمیت متهم نیست ولی با دسترسی بعدی به متهم، تفهیم اتهام به وی باید انجام پذیرد. اگر معتقد به تفهیم اتهام به وکیل متهم به جای متهم باشیم، در حقیقت تکلیف مقام قضایی در تفهیم اتهام را بر دوش وکیل گذاشته‌ایم. الزامی بودن حضور متهم برای انجام تفهیم اتهام و شخصی بودن آن، از این امر نیز استنباط می‌شود که چون حداقل در حقوق ایران، متعاقب تفهیم اتهام باید قرار تأمین کیفری صادر کرد و برای صدور قرار مزبور حضور متهم لازم است، پس همین‌طور برای انجام تفهیم اتهام، متهم باید حضور داشته باشد. (نصوحیدر، 1394)

بند سوم) انتخاب وکیل

حق بهره‌مندی از وکیل منتخب در محاکم کیفری بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. وقتی متهم خود می‌تواند وکیل انتخاب کند، دادگاه حق تعیین وکیل را برای او ندارد، همچنین نمی‌تواند دامنه انتخاب او را بی‌جهت محدود کند. از سوی دیگر چون برخورداری از وکیل حق متهم است، تصمیم به اجرای آن در اختیار اوست. (نیازپور، 1386)

دادگاه موظف به تضمین محاکمه عادلانه و سریع است، و متهم در انتخاب و استفاده از وکیل آزادی کامل دارد و ممکن است بخواهد فقط شخصاً از خود دفاع کند. جمع بین این جهات، با توجه به سنگینی و پیچیدگی دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، حرکت به سوی نوعی سیستم مداخله رسمی را باعث شده که قانون یا دادگاه تعیین می‌کند چه چیزی برای متهم بهتر است. تعیین شرایط خاص برای کسانی که می‌خواهند به عنوان وکیل وظیفه دفاع از متهمان را بر عهده بگیرند مبتنی بر همین ملاحظات است. (فضایلی، 1394)

حق انتخاب وکیل در حقوق ایران نیز، در آغاز، به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی، وکیل مدافع از جریان تحقیقات به دور نگه داشته می‌شد. در اصلاحات سال (۱۳۳۵) تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری امکان حضور وکیل متهم را در تحقیقات بدون اینکه مشارالیه حق داشته باشد در جریان تحقیق مداخله کند پذیرفت. طبق این تبصره (متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به بازپرس تذکر دهد، اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌گردد).

و لذا هیئت عمومی دیوان عالی کشور طبق رأی وحدت رویه شماره ۱۵ در تاریخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ اعلام کرد: (فقط در موردی که مجازات عمل ارتكابی، اعدام یا حبس دائم باشد شرکت وکیل مدافع انتخابی یا تسخیری، (کریمی زنجانی، 1389) در دادرسی الزامی است. در سایر موارد دادگاه بدون شرکت وکیل مدافع می‌تواند به موضوع رسیدگی نماید) (معاونت آموزش قوه قضائیه، 1389). ظاهراً این رأی تا حدودی در راستای حقوق دفاعی متهم تنظیم شده بود اما از آنجا که الزام به داشتن وکیل را منحصر به جرائم خاصی کرده است، چندان مفید واقع نشد.

البته با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ احتمال اشتباهات قضایی با تفویض حق تصمیم‌گیری به قضاتی بیش از یک نفر، تا حدودی تعدیل شده است. همان‌گونه که ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک تصریح نموده است که (دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل یا توسط یک مستشار تشکیل می‌شود). در واقع پیش‌بینی تعدد قضات در این دادگاه‌ها، اقدامی شایسته جهت جلوگیری از سپردن سرنوشت متهم به دست یک قاضی بوده است.

طبق ماده ۴۸ ق.آ.د.ک (با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد).

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) قانون‌گذار در هیچ یک از قوانین صراحتاً اجازه حضور وکیل متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی را نداده بود. اما حضور وکیل نیز محدود به یک ساعت ملاقات با متهم و ذکر ملاحظات و نکات کتبی در انتهای این ملاقات است نه دفاع از متهم در بازجویی‌ها.

بند چهارم) بررسی تعیین وکیل تسخیری در حقوق ایران و دیوان بین المللی کیفری

اسناد بین المللی حقوق بشر و مقررات کیفری بین المللی، همگی، داشتن وکیل رایگان را برای متهم معسر تضمین می کنند. آنچه در اینجا شایان توجه است شرایط چگونگی تعیین وکیل تسخیری است. در سیستم دادگاه های ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا، مدیر دادگاه ملزم به تهیه لیستی از وکلایی است که واجد شرایط قاعده ۴۴ آئین دادرسی ادله و ادله اثبات، یعنی دارای مجوز وکالت در یک کشور و یا استناد حقوق دانشگاه بوده، تجربه معقولی در حقوق کیفری یا بین المللی دارند و آمادگی قبول پرونده های ارجاعی از سوی دادگاه را داشته باشند. البته مدیر می تواند به درخواست مظنون یا متهم، وکالت کسی را که واجد شرایط، ولی خارج از لیست است، بپذیرند و در صورتی که درخواستی رد شود، درخواست های دیگر قابل ارائه است. بنابراین متهم نسبت به تعیین وکیل رایگان حق انتخاب مطلق ندارد و به طوری که یکی از شعبه های دادگاه یوگسلاوی سابق اظهار داشته اساسنامه به طور مشخص از حق انتخاب متهم در تعیین وکیل تسخیری سخنی به میان نیاورده است. اگر چه به نحو پیش بینی شده امکان انتخاب به طور محدود تامین می گردد. شعبه تجدیدنظر در پرونده اکایزو روشن کرد که این حق مطلق نیست. (فضایی، ۱۳۸۷)

و اما وکالت تسخیری در حقوق ایران همانطور که پیش تر هم در مورد وکالت تسخیری در حقوق ایران گفتیم مستند وکالت تسخیری، تبصره ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک بوده و مرجع تشخیص و درخواست انجام امر، دادگاه رسیدگی کننده به اتهام است داشتن وکیل تسخیری در موارد احصاء شده یک الزام و تکلیف است و لذا قطع نظر و فارغ از وضعیت مالی متهم صورت می گیرد. و وکالت تسخیری منحصر است در امور کیفری و پس از درخواست حق الوکاله، دادگاه حق الزحمه را متناسب با کار تعیین خواهد کرد. همچنین در وکالت تسخیری طبق نص ماده موصوف، در هر حال حق الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. داشتن وکیل تسخیری در موارد شمرده شده قانونی، قاعده امری و شرط دادرسی است. رعایت نکردن این تشریفات به تنهایی، موجب نقض حکم در مراجع عالی ست.

در وکالت تسخیری اصولاً ارتباطی میان وکیل تسخیری و موکل وجود ندارد و تعیین وکیل تسخیری از باب لزوم رعایت مقررات شکلی مربوط به رسیدگی به جرائم موضوع تبصره ماده ۱۹۰ مرقوم و دفاع از متهم است. لذا به عبارتی می توان گفت لغت وکالت در اینجا در معنای حقیقی خود استعمال نشده چرا که عقد وکالت حاصل تلاقی قصد و رضای طرفین است، حال آنکه اساساً در وکالت تسخیری نظر و اراده موکل لحاظ نشده و تأثیری در تحقق این تاسیس ندارد. حتی برغم مخالفت و مقاومت متهم برای داشتن وکیل، دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری است.

فهم این نکته کلیدی (استعمال وکالت تسخیری در معنای مجازی) همچنین ما را از افتادن در اشتباهات مشابه نگه می دارد. نظیر تبصره دو از ماده ۱۳ قانون جدید آئین دادرسی کیفری که برای مجنون وکیل تسخیری پیش بینی کرده است در صورتی که بدون اراده ولی یا قیم نمی توان برای مجنون وکیل تعیین کرد. (مقصودی، ۱۳۹۶)

نتیجه گیری و پیشنهادات:

آنچه از تحقیق فوق حاصل می شود به شرح ذیل است:

تضمین استقلال دفاع بدون وجود نهادی مستقل به این منظور به نحو کافی دست یافتنی نیست، زیرا نظام عدالت کیفری سه پایه اصلی دارد که عبارتند از ارگان قضایی مستقل، یک مقام تعقیب که از منافع عموم دفاع می کند، و یک وکیل مدافع موثر برای آنکه اصل محاکمه عادلانه به ظهور برسد. این سه رکن باید به طور متوازن و مستقل عمل کنند. تصمیم گیری راجع به لزوم تعیین وکیل برای مظنون در دیوان بین المللی کیفری فعلی اساساً به دادستان دیوان واگذار شده است. مسلم است که این راه حل مناسب نیست و نمی توان پذیرفت که دادستان در این مورد بتواند بی طرفانه و عادلانه عمل کند در دیوان بین المللی نقش نظارت و سازماندهی در تعیین وکیل مدافع بر عهده مدیر دفتر دادگاه واگذار شده است، که خود جای نقد و ایراد دارد. اعطاء چنین اختیاری به مدیر دفتر به معنای دادن حق تشخیص گسترده به نهادی است که اساساً اجرایی است و وظیفه اش ارائه خدمات اداری و اجرایی به دادستان و به شعب دادگاه است و حتی این کار می تواند به اختلاف بین نهادهای دیوان منجر شود. بنابراین بهتر است در چنین مواردی صلاحیت تصمیم گیری را به شعبه بدوی واگذار نمود. در حقوق ایران نیز

سنگینی کفه ترازو به نفع طرف مقابل متهم، خواه شاکی خصوصی باشد، خواه دادستان، در جرائم علیه امنیت، موضوعاتی که جنبه محرمانه دارند و جرائمی که به تشخیص قاضی، حضور شخصی غیر از متهم، همچون وکیل موجب فساد است و حضور وی را محدود می کنند. در بسیاری مواقع به ضرر متهم تمام شده است. برخی از این جرائم به دلیل داشتن مجازات های سنگین به ویژه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان ها و جرائم موضوع بندهای (الف) ، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) که عبارت اند از: الف) جرائم موجب سلب حیات ، ب) جرائم موجب حبس ابد، پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث ديه کامل یا بیش از آن اهمیت استفاده از وکیل را در همان مراحل آغازین رسیدگی نمایان تر می کند. حال آنکه تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) حق برخورداری از وکیل توسط متهم را به میزان قابل توجهی نادیده گرفته است.

و لذا پیشنهاد می گردد مقنن در اقدامی سریع و شایسته به اصلاح تبصره مذکور بپردازد و تنها به دلیل سنگینی جرائم، متهم را از این حق شهروندی خود محروم ننماید.

1) عدم تعریف دقیق و صریح جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور می تواند دستاویزی در دست قضات جهت ممانعت از حضور وکیل براساس تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک باشد. لذا تدقیق در مرزبندی جرائم علیه امنیت، سهم مهمی در کاهش تضییع حقوق متهم دارد.

2) نامشخص بودن حدود محرمانگی تحقیقات در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) یکی دیگر از تضییقات حق متهم در بهره مندی از وکیل بود. براساس ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه ای محکوم می شوند. عبارت قسمت دوم ماده فوق الذکر یعنی حفظ اسرار تحقیقات مقدماتی توسط اشخاصی که در جریان آن حضور دارند را باید تبیین مفهوم محرمانه بودن تحقیقات دانست.

3) این امر که حق برخورداری از وکیل باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود، تکلیف پر اهمیتی را برعهده بازپرس نهاده است چرا که وی دیگر نمی تواند به بهانه های واهی از خود سلب مسئولیت نماید. بنا به تصریح ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک بازپرس مکلف است حتماً از متهم پس از تفهیم حق داشتن وکیل ، امضا بگیرد. چرا که بر ابلاغ بدون امضا، اثری مترتب نمی باشد.

A comparative study of the standards of the right to a lawyer in Iran's laws and statutes

International Criminal Court I.C.C

Abstract

The presence of a lawyer in all stages of proceedings is a fundamental right that helps guarantee the rights of individuals. The principle of mandatory presence of a defense lawyer in all proceedings has been accepted and implemented in most countries of the world, including Iran. And also in the constitution and other laws, of course, with the approval of the new procedural law, the defense rights of the accused have been improved, which is important from the point of view of human rights.

The decision regarding the need to appoint a lawyer for the suspect in the current International Criminal Court Statute is basically left to the Prosecutor of the Court. It is certain that this solution is not suitable and it cannot be accepted that the prosecutor can act impartially and fairly in this case. In the International Court of Justice, the role of supervision and organization in appointing a defense lawyer has been entrusted to the director of the court office.

Key words:

The right to have a lawyer - Iran's laws - the statute of the International Court of Justice

فهرست منابع:

1. آشوری، محمد، ۱۳۸۳، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات سمت تهران
2. اعتمادی خیای، ۱۳۸۸، حکیمی نژاد، دادسرا در سامانه حقوقی کنونی با نگاهی کاربردی، نشر عصر اندیشه، تهران
3. جمعی از نویسندگان، ترجمه اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، مرکز استراتژیک ایران 1395، تهران
4. حسین آبادی، طیبیه، اصول دادرسی منصفانه در دادرسی کار، پایان نامه کارشناسی ارشد، 1394 دانشگاه آزاد اسلامی، سیستان و بلوچستان، (ایران داک)
5. حیدری، لیلا، 1389 استقلال وکیل دادگستری در فرایند دادرسی منصفانه در نظام حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ایران پایان نامه حسنعلی مؤذن زادگان، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، دانشگاه علامه طباطبائی، کارشناسی ارشد،
6. شفیع، حسن، اسفندیاری بیات، حمزه، 1396، بررسی حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در اساسنامه دیوان کیفری، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره 2
7. شم آبادی، ابوالقاسم و دیگران، راهنمای جامع موضوعات حقوقی روزمره، ۱۳۹۲، تهران، نشر رمز، ص ۱۲۵، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه «تابستان 1396، دوره سوم، شماره 2
8. رئیس لیلا، فلاح محسن، حق دسترسی به وکیل در محاکم بین المللی کیفری، بهمن 1392، وبسایت وکلای پیشرو به نقل مدرسه حقوق شماره 84
9. ریاحی، غلام، 1380 حق دانشستن وکیل نشریه، آموزشی تحلیلی دیده بان حق، شماره 52
10. فضائی، مصطفی. ۱۳۸۷ دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی، تهران، نشر شهر دانش، چاپ اول
11. کاشانی، محمود. ۱۳۸۳ استانداردهای جهانی دادگستری، تهران، نشر میزان، چاپ اول
12. کاتوزیان، ناصر 1387، مبانی حقوق عمومی، نشر میزان، چاپ چهارم، تهران
13. کریمی زنجانی، حسین. ۱۳۸۹ فرهنگ دادرسی، تهران، نشر نگاه بینه، چاپ دوم
14. مصطفوی، سیدمحسن. ۱۳۵۷ «گفتاری در حقوق آمریکا»، مجله حقوق وزارت دادگستری، شماره ۳
15. مظاهری، امیرمسعود. ۱۳۸۵ «مفهوم مداخله وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، شماره ۵۶ و ۵۷.
16. معاونت آموزش قوه قضائیه. ۱۳۸۷ مجموعه نشست های قضائی آئین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران، نشر حق برخورداری از وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
17. نصوحیدر، احسان، تفهیم اتهام در حقوق ایران و اسناد بین المللی، ۱۳۹۴ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق،
18. نیاز پور، امیر حسین، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه ای از حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶
19. هاشمی، محمد، 1378 حقوق اساسی جلد اول چاپ سوم انتشارات دادگستر
20. هاشمی، محمد، 1378 حقوق اساسی جلد دوم، چاپ سوم انتشارات دادگستر
21. وزینی پیروز، حسین، مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، مجله کانون وکلا دادگستری البرز شماره 3
22. یزدانی، مرتضی، جایگاه تفهیم اتهام غیابی در قوانین دادرسی کیفری ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مجله پیام آموزش، سال نهم؛ مرداد و شهریور ۱۳۹۰، شماره ۵۱
23. طه، فریده، اشرفی، لیلا، ۱۳۸۶ دادرسی عادلانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان،
24. قانون آیین دادرسی کیفری